تأثیر مناظرات امام رضا (ع) در تمدن اسلامی

مرتضی بهرامی خشنود

از تعداد مناظرات امام رضا(ع) آمار دقیقی در دست نیست؛ اما در منابع حدیثی، چند مناظره گزارش شده که همگی در دوران ولایت‌عهدی امام و در حضور مأمون انجام شده‌اند. در جلسه مناظره معروف امام با پیروان دیگر ادیان، عموی آن حضرت محمد بن جعفر دیباج نیز حاضر بود.

وی پس از پایان مناظره به حسن بن محمد نوفلی که ظاهراً از شیعیان امام بوده، می‌گوید: «ای نوفلی! دیدی دوستت چه کرد؟ به خدا قسم، گمان نداشتم که علیّ بن موسی الرّضا توان غور و غوص در چنین مسائلی را داشته باشد. او را این‌گونه نمی شناختیم که چهار یا پنج مناظره شمرد. تردید از این جهت است که در روایت، چیزی از نسطاس رومی نقل نشده که حاکی از مناظره او با امام باشد؛ ولی یک‌بار امام او را خطاب می‌کند و از او درباره تسلّطش بر انجیل می‌پرسد و او تأیید می‌کند که آن را به تمام و کمال حفظ است.[3] شاید امام با او نیز باب گفت‌وگویی دیگر گشوده، ولی راوی از قلم انداخته باشد. ابوالصّلت هَرَوی نیز مناظره‌ای میان امام رضا(ع) با علی بن محمد بن جهم را گزارش کرده که موضوع آن، عصمت انبیا است. او می‌گوید: «آنگاه که مأمون علمای فرق مختلف اسلامی و نیز علمای

در قرون اولیه، عقاید شیعی مجال کمتری برای مطرح شدن می‌یافت و از این‌رو، چه بسا عالمان دیگر ادیان، عقاید اسلامی را همانی می‌پنداشتند که از زبان علمای عامه می‌شنیدند؛ اما برپایی مناظره با امام رضا(ع) دریچه‌ای جدید به روی آنان گشود و آنها را با معارف اهل‌بیت(ع) آشنا کرد.

در مدینه از «کلام» صحبت کند یا علمای «کلام» بر او گرد آیند.» نوفلی در جواب، به پاسخگویی امام به سؤالات مردم در مدینه اشاره می‌کند؛[1] ولی روشن است که پاسخ دادن به سؤالات دینی و شرعی، غیر از مناظره با عالمان و مدعیان است. به هرحال، این سخن و دیگر قرائن و شواهد قطعی در گزارش ها، نشان می‌دهد که مناظرات امام رضا(ع) در دوره ولایت‌عهدی و در مرو(خراسان) رخ داده و اگر در دوران اقامت ایشان در مدینه نیز مناظره‌ای درگرفته، نادر بوده و گزارش آن به دست ما نرسیده است.

گزارش مناظرات

مهم‌ترین منبع ما در بحث مناظرات امام رضا(ع)، کتاب عیون اخبار الرضا از مرحوم شیخ صدوق(متوفای ۳۸۱ق) است. او از حسن بن محمّد نوفلی هاشمی نقل کرده است: زمانی که علیّ بن موسی الرّضا(ع) بر مأمون وارد شدند، مأمون به وزیرش فضل بن سهل دستور داد تا علمای ادیان و متکلّمین مثل جاثلیق (عالم بزرگ نصاری)، رأس الجالوت (عالم بزرگ یهود)، رؤسای صابئین (منکرین دین و شریعت و خدا و پیامبر)، هربذ بزرگ (عالم بزرگ زردشتیان) و عالم رومیان و علمای علم کلام را گرد هم آورد تا گفتار و عقاید حضرت رضا و نیز اقوال آنان را بشنود. این مناظره که معروف‌ترین مناظره امام رضا(ع) است، با حضور مأمون و جمع کثیری از اعضای خانواده او و سران و بزرگان، از صبح شروع می‌شود. امام در این مناظره، با جاثلیق(مسیحی)، نسطاس رومی(مسیحی)، رأس الجالوت(یهودی) و هربذ بزرگ(زرتشتی) مناظره می‌کند و پس از مجاب کردن آنان، عمران صابی(که بی‌دین بوده) از میان جمعیت برمی خیزد و به سؤال و جواب با امام می‌پردازد. مناظره او با امام برای نماز ظهر متوقف می‌شود و سپس تا مغرب ادامه می‌یابد.[2]

با توجه به اینکه این گفت‌وگوها در یک روز و در یک مجلس هرچند طولانی رخ داده، می‌توان آنها را یک مناظره به شمار آورد؛ ولی به لحاظ تعدّد افراد طرف مناظره و تفاوت موضوع، می‌توان آن را دست‌کم یهود، نصاری، مجوس، صابئین و سایر اهل علم و کلام را نزد حضرت رضا(ع) گرد آورد و هرکس از جای برخاسته و سخنی گفت، جواب قاطع گرفت و ساکت ماند که گویی سنگ در دهانش گذارده‌اند، [در آخر کار] علیّ بن محمّد بن جهم برخاست و گفت: یا ابن رسول‌الله! آیا شما قائل به عصمت انبیاء هستید...»؟[4] از عبارت آغازین این روایت، چنین برداشت می‌شود که در ادامه همان جلسه بوده و قاعدتاً پس از گفت‌وگوی امام با عمران صابی رخ داده است. بااین حال، مرحوم صدوق برای این روایت، تعبیر «بابٌ ذکر مجلس آخَر للرضا(ع) عند المأمون...» را به کاربرده که حاکی از تباین آن با مجلس پیشین است. روایت بعدی کتاب نیز گویی گزارش دیگری از گفت‌وگوی علی بن محمد بن جهم با امام رضا(ع) است که این‌بار از زبان خود او نقل شده و صدوق آن را «حدیثی غریب» خوانده است.[5] خبر دیگری از نوفلی نقل شده که حاکی از مناظره امام رضا(ع) با سلیمان مروزی است که «متکلّم خراسان» خوانده شده و گمان می‌کرده امام را به راحتی شکست خواهد داد. پیدا است که او مسلمان بوده؛ ولی به مذهب اهل‌بیت اعتقاد نداشته است. این مناظره در روز ترویه (هشتم ذی الحجه) رخ داده و از متن گزارش پیدا است که در آن مجلس، امام با فرد دیگری جز سلیمان طرف نبوده و موضوع اصلی بحث نیز مسئله «بداء» بوده است. نکته جالب اینکه عمران صابی که در مناظره پیشین شکست خورده و مسلمان شده بود، در این مناظره در سلک یاران امام رضا(ع) حضورداشته است.[6] گزارش دیگری نیز از حسن بن جهم نقل شده که حاکی از گفت‌وگوی امام رضا با دانشمندان در حضور مأمون است. امام در این جلسه به سؤالات دانشمندان و شخص مأمون درباره چگونگی اثبات امامت و مسائلی مانند رجعت و تناسخ پاسخ فرموده است.[7] این جلسه را نیز می‌توان یک مناظره به شمار آورد.

علاقه مأمون به برگزاری مناظره

مرحوم صدوق پس از نقل مناظره امام با سلیمان مروزی، می‌گوید: «مأمون علمای فرق و مذاهب مختلف خارج از صراط مستقیم را به‌خاطر حرصی که بر مقام علمی حضرت رضا(ع) داشت از هرکجای عالم دعوت می‌کرد که با آن حضرت به مباحثه پردازند تا او را محکوم و مجاب کنند و بر او در بحث چیره شوند تا آتش حسدش خاموش شود و بدین‌وسیله بتواند شهرت علمی او را لکه‌دار کند...».[8] از این عبارت، برداشت می‌شود که تشکیل مناظره میان امام رضا(ع) و عالمان دیگر ادیان و فرق، امری مستمر بوده است. پس چه‌بسا بیش از این موارد رخ داده باشد؛ ولی گزارش آنها به دست ما نرسیده است. به ویژه با توجه به این نکته که در آن زمان، فضای فرهنگی- مذهبی خراسان، برای برگزاری چنین جلساتی بسیار مساعد بوده است.[9] مأمون اساساً به جلسات مناظره علاقه داشت و طبق گزارشی که مسعودی از یحیی بن اکثم نقل کرده، سه شنبه‌ها فقها و متکلّمان را به گرد خویش می‌خواند و مجلس مناظره برپا می‌کرد[10] جلسات دیگری نیز برپا می‌کرد که موضوع آنها امامت امیرالمؤمنین و برتری ایشان بر دیگر صحابه بوده است. مأمون در این جلسات، خود به مناظره می‌پرداخت و هدفش به حسب ظاهر، جلب نظر امام رضا(ع) بود ولی امام به اطرافیان خود گوشزد می‌فرمود که فریب نخورید، کسی جز او مرا نخواهد کشت![11] یکی از این جلسات را یحیی بن اکثم به دستور مأمون برپا کرد و در آن، حدود چهل نفر از اهل حدیث و کلام و صاحبان رأی حضور داشتند.[12] این گزارش ها حاکی از علاقه مأمون به برگزاری چنین جلساتی است و ازاین‌رو، بعید نیست جلسات دیگری نیز برپاشده باشد که خبر آنها به دست ما نرسیده است.

مناظرات امام با پیروان دیگر ادیان، یکی از مهم‌ترین منابع در بررسی دیدگاه‌های عرضه شده توسط ایشان نسبت به ادیان دیگر است و با توجه به جایگاه خاص امام رضا(ع) به عنوان عالمی از آل‌محمد(ع) و نیز به عنوان ولی‌عهد مأمون، این مناظرات و نوع تعامل ایشان با عالمان اهل کتاب، تأثیر شایانی در چند وچون همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با پیروان دیگر ادیان داشت.

آثار و برکات مناظره‌های امام رضا(ع)

مناظرات امام با پیروان دیگر ادیان، یکی از مهم‌ترین منابع در بررسی دیدگاه‌های عرضه شده توسط امام نسبت به ادیان دیگر است و با توجه به جایگاه خاص امام رضا(ع) به عنوان عالمی از آل‌محمد(ع) و نیز به عنوان ولی‌عهد مأمون، این مناظرات و نوع تعامل ایشان با عالمان اهل کتاب، تأثیر شایانی در چند وچون همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با پیروان دیگر ادیان داشت و از آنجا که همزیستی ادیان در کنار هم یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ و تمدّن اسلامی به ویژه در منطقه خراسان و ایران است، اثر تمدّنی این مناظرات را نمی‌توان نادیده گرفت. به علاوه، در قرون اولیه، عقاید شیعی مجال کمتری برای مطرح شدن می‌یافت و از این‌رو، چه بسا عالمان دیگر ادیان، عقاید اسلامی را همانی می‌پنداشتند که از زبان علمای عامه می‌شنیدند؛ اما برپایی مناظره با امام رضا(ع) دریچه‌ای جدید به روی آنان گشود و آنان را با معارف اهل‌بیت(ع) آشنا کرد.

به نظر می‌رسد که این مناظرات توانسته معارف اهل‌بیت را بیش از پیش توسعه دهد و آنها را از باوری شاذ و متعلق به اقلیتی ضعیف؛ به عنوان مکتبی وزین و شایان توجه بشناساند.

به علاوه، رفتار امام رضا(ع) در مواجهه با دیگر ادیان، دست‌کم در دو بُعد دیگر نیز اثرگذار بوده است: الف) نمایاندن جایگاه ادیان دیگر در نظر اسلام؛ ب) نشان دادن جایگاه اسلام در متون الهی ادیان دیگر. این امر، تأثیرات بسزایی در تاریخ اندیشه و فرهنگ شیعی و نیز بازخورد آن در دیگر منابع داشته است.[13]

بررسی متن مناظرات نشان می‌دهد که حضرت رضا (ع) ضمن سخن‌گویی به‌قدر توان فکری و اعتقادی هرکس و نیز احتجاج به کتاب‌های آسمانی خود آنها، جهت حفظ احترام هر فرد و زبان او، با هر کس به زبان خودش سخن می‌گفت؛ در حالی که می‌توانست با همه به عربی سخن بگوید که زبان رسمی در آن روزگار بوده است.

بررسی متن مناظرات نشان می‌دهد که آن حضرت ضمن سخن‌گویی به‌قدر توان فکری و اعتقادی هرکس و نیز احتجاج به کتاب‌های آسمانی خود آنها، جهت حفظ احترام هر فرد و زبان او، با هر کس به زبان خودش سخن می‌گفت؛[14] در حالی که می‌توانست با همه به عربی سخن بگوید که زبان رسمی در آن روزگار بوده است. به علاوه، رفتار و گفتار امام با طرف مناظره (غیرشیعیان و حتی غیرمسلمانان)، بسیار محترمانه و مؤدبانه است و یک بار که سلیمان مروزی در مناظره درمانده می‌شود و مأمون به او خشم می‌گیرد که چرا تناقض‌گویی می‌کنی، امام مأمون را نهی می‌کند و می‌فرماید: کلامش را قطع نکنید و سپس به سلیمان می‌فرماید سؤالت را بپرس و اجازه نمی‌دهد او را تحقیر کنند.[15]

نکته دیگر اینکه خلفای عباسی محدودیت‌هایی برای شیعیان و علویان فراهم کرده بودند و این باعث دوری آنان از ائمه شده و از نظر فراگیری اعتقادات، مشکلاتی برای آنها پدید آورده بود.[16]

اما برپایی این مناظرات، زمینه را برای پاسخ دادن به بسیاری از سؤالات و شبهات فراهم می‌ساخت؛ درنتیجه، باعث انسجام و تقویت جامعه شیعی می‌شد و بالمآل، انگیزه و فرصت بیشتری را برای پیشبرد و توسعه تمدن اسلامی، در اختیار شیعیان می‌گذاشت. به باور یکی از محققان، «تلاش برای تحکیم مبانی کلامی تشیع امامی و نشان دادن تسلّط ائمه شیعی بر میراث نبوی و علوی در گفت‌وگو با بزرگان ملل و نحل، یکی از اهداف امام رضا(ع) در هجرت به خراسان بوده است.[17]

نتیجه:

در کتاب عیون اخبارالرضا، درمجموع، هفت یا هشت مناظره میان امام رضا(ع) و دانشمندان و ادیان و فرق نقل شده که همگی در خراسان (مرو) و در حضور مأمون بوده است؛ ولی بعید نیست که آن حضرت مناظرات دیگری نیز داشته که گزارش آنها به دست ما نرسیده است. این مناظرات، هم باعث تقویت جایگاه شیعه و ترویج معارف اهل‌بیت در میان مردم بود و نقش تمدّنی شیعیان را تحکیم می‌کرد و هم فرهنگ گفت‌وگوی صحیح و محترمانه میان صاحبان آرای مختلف را تقویت می‌کرد و بدین‌سان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدّن اسلامی (همزیستی با صاحبان دیگر ادیان و اندیشه‌ها) را می‌توان وامدار مناظرات امام رضا(ع) به شمار آورد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ه.ق، ج ۱، ص ۱۷۷.
۲. صدوق، همان، ج ۱، صص ۱۵۴ ـ ۱۷۷ (باب ۱۲).
۳. همان، ج ۱، ص ۱۵۷.
۴. صدوق، همان، ج ۱، صص ۱۹۱ ـ ۱۹۵ (باب ۱۴).
۵. صدوق، همان، ج ۱، صص ۱۹۵ ـ ۲۰۴ (باب ۱۵).
۶. صدوق، همان، ج ۱، صص ۱۷۹ ـ ۱۹۱ (باب ۱۳).
۷. صدوق، همان، ج ۲، صص ۲۰۰ ـ ۱۸۵ (باب ۴۶، ح ۱).
۸. صدوق، همان، ج ۱، ص ۱۹۰.
۹. ر.ک: میرحسینی، یحیی، «تعامل امام رضا با مهم‌ترین جریان‌های کلامی- فکری غیرشیعی»، ابعاد شخصیت و زندگی حضرت رضا، سرپرست علمی: دکتر احمد پاکتچی، به اهتمام: مرتضی سلمان‌نژاد، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق با همکاری بنیاد بین‌المللی امام رضا و پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات، چاپ اول، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۲، صص ۳۲۱ ـ ۳۲۳.
۱۰. مسعودی، ابوالحسن، مروج الذهب، تحقیق: اسعد داغر، قم، دارالهجره، چ دوم، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۴۳۲.
۱۱. صدوق، همان، ج ۲، صص ۱۸۴ ـ ۱۸۵ (باب ۴۵، ح ۱).
۱۲. صدوق، همان، ج ۲، صص ۱۸۵ ـ ۲۰۰ (باب ۴۵، ح ۲).
۱۳. ر.ک: حاج منوچهری، فرامرز، «ادیان دیگر با رویکرد رضوی»، ابعاد شخصیت و زندگی حضرت رضا، سرپرست علمی: دکتر احمد پاکتچی، به اهتمام: مرتضی سلمان‌نژاد، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق با همکاری بنیاد بین‌المللی امام رضا و پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ه.ش، ج ۱، صص ۲۸۲ ـ ۳۰۹.
۱۴. ر.ک: حاج منوچهری، فرامرز، همان، صص ۲۹۲ ـ ۲۹۳. ۱۵؛ صدوق، همان، ج ۱، ص ۱۸۶.
۱۶. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انتشارات انصاریان، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۵۱.
۱۷. زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ تحلیلی اسلام از بعثت تا غیبت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، چاپ نهم، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱۸۷.

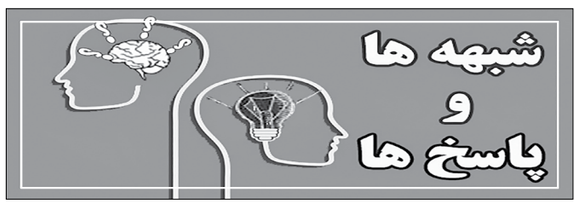

نگاه دین به بهشت واقع‌گرایانه یا نمادین؟

شبهه: آیا این نظر روشنفکران دینی درست است که نعمت‌های بهشت، مانند نهرها و سایه درختان، حورالعین و میوه‌ها، ناظر به فرهنگ اعراب صدر اسلام است و نباید آنها را واقعی به حساب آورد؟

پاسخ: برخی از روشنفکران معاصر بر این باورند که زبان دین در توصیف جهان پس از مرگ، به‌ویژه بهشت، برخاسته از ذهنیت تاریخی مخاطبان اولیه خود است و در قالب تصاویری سخن گفته که متناسب با ذائقه و فرهنگ آن دوره بوده است.

به‌زعم این گروه، مفاهیمی مانند باغ‌های سرسبز، نهرهای روان، میوه‌های گوناگون و همسران دلخواه، بیشتر بازتاب‌دهنده خواسته‌های مردم دوران نزول دین هستند، نه بیانگر حقایق فرازمانی و فرامکانی. از این منظر، توصیف‌های دینی از بهشت نه توصیف واقعیت، بلکه نمادهایی فرهنگی برای انتقال پیام‌های فراتاریخی‌اند و باید آنها را از پوسته تاریخی‌شان جدا کرد تا بتوان آموزه‌های دین را در چارچوب‌های جدید و امروزی بازسازی نمود.

اما آیا چنین تلقی‌ای از زبان دین و کیفیت وعده‌های اخروی، قابل دفاع است؟ در ادامه، به تحلیل و بررسی این دیدگاه و نقد آن در قالب چند نکته می‌پردازیم:

نعمت‌های بهشتی و ذائقه اعراب صدر اسلام

خداوند در قرآن درباره نعمت‌های بهشتی به این اصل کلی اشاره کرده که بهشتیان «هر چه بخواهند در بهشت هست»[1] و «و در آن(بهشت) آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد موجود است»[2] اما با این حال، چون مخاطب اولیه اسلام، اعراب صدر اسلام بودند، قرآن بیشتر متناسب با ذائقه و سلیقه آنها سخن گفته است و مواردی را ذکر کرده که اعراب صدر اسلام اشتهای بیشتری به آنها دارند.[3]

به بیان دیگر، درست است که قرآن بیشتر از میوه‌هایی اسم برده یا وعده داده که میان اعراب صدر اسلام رایج بوده یا در ذکر نعمت‌های الهی چه در دنیا و چه در بهشت، گاهی آن دسته را اسم برده که اعراب صدر اسلام استفاده می‌کردند یا علاقه داشتند؛ اما این مطلب در چارچوب همان اصل کلی در بهشت است که بهشتیان در بهشت هر آنچه بخواهند برایشان فراهم است و چون مخاطب اولیه دین اسلام، اعراب صدر اسلام بودند و سلیقه و ذهنیت و خواست آنها معطوف به این نعمت‌ها بود، به همین جهت خداوند به این نعمت‌ها در قرآن بیشتر اشاره کرده است بی‌آنکه بخواهد نعمت‌های بهشتی را به این موارد محدود کند.

واقعی‌بودن نعمت‌های بهشتی

این نعمت‌هایی که در قرآن ذکر شده، حقیقتا در بهشت نیز وجود دارند و داستان‌سرایی و خیالپردازی نیست چرا که اعراب بهشتی همین نعمات را طلب می‌کنند و به همین جهت خداوند فرموده این نعمت‌ها در بهشت فراهم می‌شود. اگر قرآن برای ژاپنی‌ها نازل می‌شد، حتما به شکل دیگری برخی از نعمت‌های بهشتی توصیف می‌شد اما همچنان به آن اصل کلی نیز تاکید می‌شد که بهشتیان هر آنچه بخواهند برایشان فراهم می‌شود و نعمت‌های بهشتی محدود به این موارد نیست.

نعمت‌های بهشتی محدود به ذهنیت اعراب صدر اسلام نیست و خداوند تاکید کرده که آنچه می‌گوید، گوشه‌ای از نعمت‌های بهشتی است و بسیاری از آنها فراتر از تصورات مردم است چه برسد به اعراب صدر اسلام. بنابراین، کلام خدا اگرچه گاهی متناسب با ذهنیت اعراب صدر اسلام است اما محدود به آن نمی‌شود.

نعمت‌هایی که در قرآن ذکر شده، حقیقتا در بهشت نیز وجود دارند و داستان‌سرایی و خیالپردازی نیست چرا که اعراب بهشتی همین نعمات را طلب می‌کنند و به همین جهت خداوند فرموده این نعمت‌ها در بهشت فراهم می‌شود. اگر قرآن برای ژاپنی‌ها نازل می‌شد، حتما به شکل دیگری برخی از نعمت‌های بهشتی توصیف می‌شد اما همچنان به آن اصل کلی نیز تاکید می‌شد که بهشتیان هر آنچه بخواهند برایشان فراهم می‌شود و نعمت‌های بهشتی محدود به این موارد نیست.

می‌شد که بهشتیان هر آنچه بخواهند برایشان فراهم می‌شود و نعمت‌های بهشتی محدود به این موارد نیست.

این توصیفات نیز حقیقتا از نعمت‌های بهشتی خبر می‌داد چرا که ژاپنی‌های بهشتی چنین نعمت‌هایی را طلب می‌کنند و در بهشت این نعمت‌ها برایشان فراهم می‌شود.[4]

نعمت‌های محبوب بهشت

بسیاری از نعمت‌های بهشتی که برای اعراب صدر اسلام نیز جذاب بوده، محدود به اعراب صدر اسلام نیست و متناسب با ذائقه همه یا اکثر انسان‌ها- از جمله اعراب صدر اسلام- است.

از این‌رو، این نعمت‌ها اختصاصی به آنها ندارد و می‌تواند برای عموم مردم، حتی ژاپنی‌ها نیز جذاب باشد؛ مثلا باغ‌هایی که چشمه‌ساران در آن روان باشد؛ سایه‌ای دائم بر فراز آن باشد و انواع وسایل آسایش روحی و جسمی در آن فراهم باشد؛ باغی که وسعت آن به اندازه زمین و آسمان است و خوردنی‌ها و میوه‌هایش دائمی است؛ همسری که همه عشق و محبت او ارزانی همنشین و همسر خود است و نگاهی به دیگران ندارد و همسان و کفو او است و غیره.[5]

این‌ها مطلوب همه یا اکثریت قریب به اتفاق انسان‌ها است و محدود به اعراب صدر اسلام نیست.[6]

آن‌سوی تصورات ما

بسیاری از نعمت‌های بهشتی فراتر از تصورات نیز فراتر از تصورات ما است و در بهشت از لطافت و زیبایی زیاد برخوردارند و مایه خستگی و دلزدگی یا رنج و بیماری انسان نمی‌شوند. مثلا این‌جا با خوردن غذای زیاد، دل درد می‌گیریم یا با خوردن شیرینی‌های زیاد دیابت می‌گیریم اما آنجا این مشکلات نیست و هیچ غم و اندوهی راه ندارد.[8]

بنابراین، نعمت‌های بهشتی محدود به ذهنیت اعراب صدر اسلام نیست و خداوند تاکید کرده که آنچه می‌گوید، گوشه‌ای از نعمت‌های بهشتی است و بسیاری از آنها فراتر از تصورات مردم است چه برسد به اعراب صدر اسلام.

بنابراین، کلام خدا اگرچه گاهی متناسب با ذهنیت اعراب صدر اسلام است اما محدود به آن نمی‌شود.

کوتاه سخن آنکه توصیف نعمت‌های بهشتی در منابع دینی، هرچند با ذائقه مخاطبان اولیه سازگار است، اما بازنمایی فرهنگی یا نمادین و غیرواقعی نیست. قرآن و روایات، در کنار ذکر نمونه‌هایی آشنا، از اصولی فراتر از زمان و مکان پرده برمی‌دارند که و آگاهی و انتظار ما است و به همین جهت خداوند در توصیف نعمت‌های بهشتی می‌فرماید: « هیچ‌کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمّی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند.»[7] حتی کیفیت نعمت‌های بهشتی که آنها را می‌شناسیم نشان می‌دهد این نعمت‌ها حقیقتی عینی دارند، نه صرفاً مفاهیمی ذهنی یا استعاری. از یک‌سو، بسیاری از این نعمت‌ها مانند خوراک‌های لذیذ، لباس‌های زیبا، و آرامش روحی، مطلوب مشترک نوع بشر در طول تاریخند و هنوز نیز خواستنی و جذابند؛ و از سوی دیگر، خودِ متون دینی بر این نکته تأکید دارند که پاداش‌های بهشتی به این موارد محدود نمی‌شود. بر این اساس، نمی‌توان گفت دین،صرفاً برای جلب توجه مخاطبانش، از قالب‌های فرهنگی بهره برده است.

توصیف نعمت‌های بهشتی در منابع دینی، هرچند با ذائقه مخاطبان اولیه سازگار است اما بازنمایی فرهنگی یا نمادین و غیرواقعی نیست. قرآن و روایات، در کنار ذکر نمونه‌هایی آشنا، از اصولی فراتر از زمان و مکان پرده برمی‌دارند که نشان می‌دهد این نعمت‌ها حقیقتی عینی دارند، نه صرفاً مفاهیمی ذهنی یا استعاری.

نگاه دین به بهشت، نگاهی واقع‌گرایانه، فرافرهنگی و فراتاریخی است؛ نه بازنمایی نمادینی از مفاهیم متعالی.

حتی آن دسته از توصیفاتی که با فرهنگ اعراب صدر اسلام هماهنگ است، به‌واقع بخشی از نعمت‌های حقیقی بهشتی‌اند، که در کنار آنها، نعمت‌هایی ناشناخته و بی‌سابقه نیز در انتظار انسان مؤمن است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نحل، آیه ۳۱.
۲. زخرف، آیه ۷۱.
۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن‌الکریم، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۷۹ش، ج۷، ص۴۷.
۴. عرب صالحی، محمد، تاریخی نگری و دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ش، ص۲۴۳.
۵. برای نمونه، رک: آل عمران، آیه ۱۳۳؛ رحمن، آیات ۵۵ و ۷۲-۷۴؛ نباء، آیه ۳۳؛ انسان، آیه ۵؛ رعد، آیه ۳۵.
۶. عرب صالحی، تاریخی‌نگری و دین، صص ۲۴۱-۲۴۲.
۷. سجده، آیه ۱۷.
۸. صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن‌الکریم، ج۷، ص۴۸.

میثم شادپور

والدین و مدیریت خشم نوجوان

دوران نوجوانی، طلایی‌ترین دوران زندگی انسان است که می‌تواند نقش بی‌بدیلی در سعادتمندی انسان ایفا کند. به همین دلیل لازم است تا والدین با دقت و حساسیت بیشتری با نوجوانان خود برخورد کنند تا نوجوان چالش‌های این دوران را به‌سلامت پشت‌سر بگذارد.

یکی از چالش‌های این دوران خشمگین شدن و پرخاشگری نوجوان است که در ادامه به برخی راه‌های مدیریت این ناهنجاری رفتاری اشاره می‌شود:

دوران نوجوانی با تغییرات هورمونی در بدن همراه است و نوجوان از حیث جسمی و روحی تغییرات فراوانی را تجربه می‌کند. شناخت والدین نسبت به این تغییرات منجر به درک بیشتر شده و همین امر باعث می‌شود تا نوجوان از بحران نوجوانی به‌سلامت عبور کند. فشارهای درسی و تحصیلی، مشکلات اجتماعی و وجود همسالان، مشکلات خانوادگی و تنش‌های بین پدر و مادر نیز می‌تواند در تشدید این بحران‌ها مؤثر باشد. والدین با شناخت نوجوان و آگاهی از این دوران بهتر می‌توانند برخوردهای خود با نوجوانان را بر مدار عقل و عاطفه تنظیم کنند.

تعامل صحیح

دقت در ارتباط‌گیری با نوجوانان و توجه به اصول تعامل، از فرزندان ما نوجوانانی مؤمن، معتقد، بانشاط و باثبات می‌سازد. ظرافت‌های دوران نوجوانی، ما را بر این امر وامی دارد که باظرافت تمام، به تعامل با نوجوان بپردازیم. روح نوجوان بسیار حساس است و آشنا نبودن نسبت به اصول تعامل، روح او را خسته و پژمرده می‌کند. چنانچه والدین نسبت به اصول تعامل با نوجوان آشنا باشند به وقت خشم نوجوان راحت‌تر می‌توانند او را یاری دهند.

ارتباط کلامی

یکی از انواع مهم روش‌های ارتباطی روش کلامی است. ارتباط کلامی با نوجوان می‌تواند جرقه خوبی برای روشن شدن ارتباط عاطفی باشد. متأسفانه میزان سخن گفتن میان والدین و نوجوانان بشدت تنزل یافته و گفت‌وگو و ارتباط کلامی اندکی، میان نوجوان با والدین انجام می‌گیرد.

درحالی که اگر هر خانواده خود را موظف کند روزانه مدت زمان کوتاهی را به شکل مستمر و همیشگی به گفت‌وگو با نوجوانان اختصاص دهد خود را به یکی از اصول اصلی تعامل مجهز کرده است. ارتباط کلامی در کنترل خشم نوجوان بسیار مؤثر است.

تعامل شنیداری

بدتر از وضعیت گفتاری، وضعیت شنیداری ماست. ما نوجوانان خویش را کمتر می‌شنویم. نوجوانان نیازمند این هستند که فارغ از هرگونه جبهه‌گیری والدین، هرآنچه در دل و ذهنشان است را بازگو کنند. اگر نوجوان، گوش شنوایی برای شنیده شدن نیابد این خلأ را از طرق دیگر پر می‌کند. نوجوانانی که شنیده نمی‌شوند پرخاشگری بیشتری دارند.

دوران نوجوانی با تغییرات هورمونی در بدن همراه است و نوجوان از حیث جسمی و روحی تغییرات فراوانی را تجربه می‌کند. شناخت والدین نسبت به این تغییرات منجر به درک بیشتر شده و همین امر باعث می‌شود تا نوجوان از بحران نوجوانی به‌سلامت عبور کند. فشارهای درسی و تحصیلی، مشکلات اجتماعی و وجود همسالان، مشکلات خانوادگی و تنش‌های بین پدر و مادر نیز می‌تواند در تشدید این بحران‌ها مؤثر باشد. والدین با شناخت نوجوان و آگاهی از این دوران بهتر می‌توانند برخوردهای خود با نوجوانان را بر مدار عقل و عاطفه تنظیم کنند.

تعامل دیداری

امروزه بر اثر گسترش تکنولوژی، ارتباطات صرفاً مجازی شده و حتی افرادی که در یک خانه‌اند بعضاً در خلوت خویش دنیای مجازی را تجربه می‌کنند. دیدار و ارتباط حضوری می‌تواند از اصول مهم تعامل باشد. دیدارهای حضوری و بودن در جمع خانواده و دوستان و تلاش برای ترغیب نوجوان به حضور داشتن در گروه‌های دوستانه و خانوادگی می‌تواند تعامل نوجوانان با دیگران را به تعاملی شیرین و جذاب تبدیل کند. در ارتباط چهره‌به‌چهره، مدیریت خشم بیشتر امکان‌پذیر است.

ممنوعیت هدایت اجباری

گاهی والدین تصور می‌کنند که باید با زور و خشونت و اجبار، فرزند خویش را سربه‌راه کنند. این درحالی است که نوجوان به محض اینکه متوجه این اجبار شد سر ناسازگاری می‌گذارد. پس اگرچه الزام در هدایت نوجوان وجود دارد؛ اما اجبار در هدایت نمی‌تواند روش مناسبی در تعامل با نوجوانان باشد. توجه به این مسئله بستر خشم را در نوجوان کاهش می‌دهد.

توجه به زمان و مکان

ازجمله لوازم لاینفک یک تعامل سازنده، توجه به زمان و مکان است.

نوع ارتباط با نوجوانان در هر زمان و متناسب با هر مکان ممکن است متفاوت باشد و بزرگ‌ترها باید به این مسئله دقت بیشتری داشته باشند. گاهی فضا برای شوخی با نوجوان مهیاست و گاه، زمان، زمان نصیحت است. گاهی مکانی برای تذکر مناسب نیست و گاهی شرایط برای ابراز عشق فراهم است. با درنظرگرفتن شرایط زمانی و مکانی در تعامل با نوجوان می‌توان از میزان خشمگین شدن او کم کرد.

انسان در هر سنی دارای منطق و زبان مخصوص همان سن است. کودکان را باید کودکانه تربیت کرد و با زبان کودکی درس زندگی را به آنها آموخت. در برخورد و تعامل با نوجوانان نیز باید از دریچه نگاه آنها به جهان نگریست و با منطق خودشان با آنها وارد گفت‌وگو شد.

همسو با منطق نوجوان

انسان در هر سنی دارای منطق و زبان مخصوص همان سن است. کودکان را باید کودکانه تربیت کرد و با زبان کودکی درس زندگی را به آنها آموخت. در برخورد و تعامل با نوجوانان نیز باید از دریچه نگاه آن‌ها به جهان نگریست و با منطق خودشان با آنها وارد گفت‌وگو شد.

ارتباط صمیمی

یکی از راهکارهای برخورد با چالش خشم نوجوانان این است که والدین با برقراری ارتباط صمیمی با فرزندانشان آنها را در مدیریت این چالش کمک کنند. گوش دادن فعال، از مهم‌ترین ابزارها برای تقویت این ارتباط است. والدین باید بدون جبهه‌گیری، فرصت مناسبی در اختیار فرزندان قرار دهند و شنونده احساسات و عواطف بچه‌ها باشند. باید اجازه داد نوجوانان دلایل خشمشان را توضیح دهند. شاید دلیل خشم نوجوان از نگاه ما دلیل منطقی نباشد؛ اما طبیعتاً آن دلایل برای خود او اهمیت دارد؛ لذا بدون قضاوت، به حرف‌های نوجوان گوش دهیم تا علت خشمش را بیابیم و بتوانیم در کنترل خشم به او کمک کنیم. اگر نوجوان بفهمد که او را فهمیدیم انعطاف‌پذیر خواهد شد و توان مدیریت هیجاناتش را بهتر در دست می‌گیرد.

ورزش

از جمله اموری که می‌تواند در کنترل خشم و حذف این رذیله اخلاقی مؤثر باشد ورزش کردن است. ورزش ابزاری است که به تخلیه هیجانات غالب در آدمی منجر می‌شود؛ بنابراین والدین با قراردادن فعالیت‌های ورزشی در برنامه روزانه و یا هفتگی بچه‌ها می‌توانند تا حدودی خشم آنها را مدیریت کنند.

حل مسئله

با گفت‌وگو با نوجوان به او کمک کنید تا روش‌های حل مسئله را یاد بگیرد. از او بخواهید تا خودش راهکارهایی را برای کنترل خشمش پیشنهاد دهد و درعین‌حال خودتان هم روش‌هایی را پیشنهاد دهید و در انتها با مشورت با او به یک توافق برای حل مسئله برسید.

محیط امن

خشم در محیطی اتفاق می‌افتد که نوجوان حس امنیت و آرامش کمتری دارد، به همین دلیل بر والدین